

شیعیان مصر؛ گذشته و حال

سیده مظهره حسینی*

چکیده

تاریخ مصر به دلایلی چند، این کشور را همواره مهد چالش‌ها و کانون رویدادهای تاریخ‌ساز کرده است. رویدادهای تاریخی مصر را به کانون جریان‌های نظری و عملی تبدیل کرده است. تشکیل خلافت نیرومند فاطمی، فعالیت و حیات شیعیان، فرهنگ تشیع، تاریخ معاصر حضور شیعیان در مصر، وضعیت کنونی شیعیان مصر، شخصیت‌های همسو با تشیع، و سازمان‌های شیعی در این مقاله بررسی شده‌اند تا به این پرسش اصلی مقاله پاسخ داده شود: شمار (فراوانی) شیعیان مصر چقدر است و جامعه مصر تا چه میزان پذیرای فرهنگ تشیع است؟

کلیدواژه‌ها: مصر، شیعیان، اهل بیت (ع)، مجمع تقریب مذاهب، الازهر، الدرینی، الوردانی، انقلاب اسلامی ایران.

مقدمه

جمهوری عربی مصر، با جمعیت بیش از ۷۴ میلیون تن، از نظر گستردگی، موقعیت جغرافیایی، جمعیت و پیشرفت مهم‌ترین کشور عربی به‌شمار می‌آید. پس از حکومت فراعنه در حدود ۶۰ قرن پیش از میلاد مسیح، ایرانیان، یونانیان و اعراب بر مصر حکومت کرده‌اند. بیشتر جمعیت مصر کشاورزند و در دره و دلتای نیل، یعنی تنها مناطق قابل کشاورزی مصر، زندگی می‌کنند. دین رسمی کشور مصر اسلام است و بیشتر مردم (۹۴ درصد) پیرو آن‌اند. بیشتر آن‌ها شافعی مذهب‌اند که نزدیک‌ترین مذهب اهل سنت به شیعه دوازده‌امامی است.

* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی ma_hoseyni@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۱۴، تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۹

مصر به دلایل بسیاری در شاهره ارتباطات جهان اسلام قرار دارد و کانون صادرات فکری - نظری جهان اسلام است. از دیرباز همه حوزه‌های علمی و دینی در جهان اسلام از تحولات مصر متأثر بودند. جهت‌گیری‌های سیاسی و دینی دولت و جامعه مصر در برابر شیعیان در کل تحولات دینی و سیاسی افریقا تأثیر دارد و به‌نوعی، حتی وضعیت شیعیان را به‌طور کلی در سایر نقاط افریقا تعیین می‌کند. حتی وهابیت زمانی که توانست در محافل علمی و دینی مصر به‌ویژه در الازهر مورد پذیرش برخی دانشمندان و عالمان سلفی قرار گیرد، راه را برای گسترش در جهان اسلام هموار دید و به‌نوعی از مشروعیت علمی - دینی برخوردار شد. بنابراین، نوع برخورد مصر با تشیع و نوع برخورد شیعیان و کشورهای پشتیبان آن‌ها با مصر در سرنوشت شیعیان بسیار تأثیرگذار خواهد بود. مصر محل رویارویی آرای مسلمانان است، ولی به‌سبب فعالیت سلفیان در این کشور، برخوردهای بسیاری با شیعیان صورت می‌گیرد.

با وجود قدرت فرهنگ تشیع در مصر، هنوز هیچ پژوهش دانشگاهی در ایران و در سایر کشورها برای بررسی وضعیت امروزی مذهب اهل بیت (ع) در مصر انجام نشده است. این درحالی است که یکی از بنیادهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شناخت جمعیت‌های همسو و شناسایی زمینه‌های مناسب برای فعالیت و همکاری در کشورهای گوناگون است. با توجه به مهجورماندن مطالعات جمعیت‌های شیعی و فرهنگ تشیع در کشورهای گوناگون، به‌ویژه کشورهای اسلامی، در این مقاله آیین تشیع در مصر و وضعیت امروزی آن بررسی شده است. با عنایت به زمینه‌ها و بسترهای شیعی که در جامعه مصر وجود دارد، پرسش اصلی این مقاله این است: شمار (فراوانی) شیعیان مصر چقدر است و جامعه مصر تا چه میزان پذیرای فرهنگ تشیع است؟ هدف از طرح این پرسش بررسی جمعیت‌های شیعی در جامعه مصر، در حکم یکی از رهبران فکری جامعه عرب و اسلام، و زمینه‌های فعالیت شیعیان در این کشور است. در بخش پایانی با عنوان «بایسته‌ها و چالش‌های فعالیت شیعیان در مصر» این فرض طرح می‌شود که برقراری رابطه استوار شیعیان با دولت و جامعه مصر در گرو شناسایی بسترهای اجتماعی - فرهنگی و سرمایه‌گذاری چندجانبه با محوریت فرهنگ اجتماعی در جامعه مصر است.

حضور تشیع در مصر

اسلام از دروازه مصر وارد به افریقا شد. با ظهور سلسله‌های اموی و عباسی و تحت تعقیب

قرار گرفتن اهل بیت (ع) و شیعیان در حجاز و عراق، بسیاری از سادات در جست و جوی پناهگاه به مصر که دور از دسترس حاکمیت مرکزی بغداد بود، مهاجرت کردند. بنابراین، جایگاه اهل بیت (ع) در مصر از همان سده آغازین اسلام استوار شد (عبدوس، ۱۳۸۷). روی کار آمدن دولت‌های شیعی در مصر، به‌ویژه فاطمیان، موجب ژرف‌تر شدن جایگاه تشیع در این کشور شد، ولی اشتباهات و بی‌توجهی‌های فاطمیان و سپس روی کار آمدن ایوبیان در مصر و شمال آفریقا موجب از میان رفتن میراث شیعی این سرزمین و تعقیب و کشتار شیعیان شد. از آن هنگام تاکنون، شیعیان مصر در تقیه بوده‌اند یا زیر پرده اندیشه‌های صوفیانه زیسته‌اند. با وجود فعالیت ایوبیان برای از میان بردن آثار و نشانگان شیعیان، ریشه‌های فرهنگ شیعی در مصر همچنان باقی مانده است. وجود این آیین‌ها نشان می‌دهد با وجود فشار، ترس و وحشت حاکم بر جامعه، روح تشیع در متن جامعه مصر پایدار ماند. نمونه‌هایی از فرهنگ و آیین‌های شیعی مصر در پایین می‌آید:

۱. برگزاری مراسم عاشورا و سوگواری موبک‌های حسینی در قاهره تا پایان حکومت عثمانیان که به شیعیان آزادی اندکی داده بودند، به‌ویژه در محله‌ای که «الحسین» نامیده می‌شد، از سوی ایرانی‌تباران به چشم می‌خورد. هرچند از آن‌جا که صلاح‌الدین ایوبی کوشید مراسم سوگواری را به مراسمی شادی‌بخش تغییر دهد، امروز مصری‌ها در بیشتر مناطق، بنا بر سنت اموی، محرم را به‌عنوان آغاز سال نو قمری جشن می‌گیرند.
 ۲. شب نیمه شعبان را فرقه‌های صوفی جشن می‌گیرند.
 ۳. زادروز حضرت زینب (س) و امام حسین (ع) و بانو نفیسه، از نوادگان امام حسن (ع)، هر سال جشن گرفته می‌شود.
 ۴. رسم فانوس‌گیری در ماه رمضان و بازی کودکان در این ماه نیز از آیین‌های شیعی است که از مصر به سایر سرزمین‌ها راه یافته است.
 ۵. «سید» از نام‌های رایج در مصر است که برای احترام پیش از نام افراد نیز آورده می‌شود. علی، حسن، حسین، فاطمه، زینب، رقیه و نفیسه از شایع‌ترین نام‌ها در این سرزمین است. نام‌های عایشه و عمر برای دشنام دادن هنوز هم در میان عوام رایج است و برخی مردم ندانسته آن را به‌کار می‌برند.
 ۶. مصری‌ها هنوز هم، به‌علت حرام بودن گوشت خرگوش در مذهب تشیع، آن را نمی‌خورند (وردانی، ۱۳۸۲؛ رضانی گل‌افزایی، ۱۳۸۷).
- به گزارش یک روزنامه سلفی مصری، بسیاری از شیعیان مصر بر باورهای خود باقی

مانده‌اند، ولی اکنون یا تقیه می‌کنند و یا در ظاهر اظهار به مذهب تسنن کرده‌اند (روزنامه‌المحرر، ۱۹۹۵). دربارهٔ ویژگی‌های مصریان می‌توان گفت آنان نزدیک‌ترین افراد به اهل بیت(ع) و شیعه‌اند. از این رو، برخی مصریان را «شیعیان سنی» نامیده‌اند و این به خاطر احترامی است که مردم این کشور برای اهل بیت پیامبر(ص) قائل‌اند (احمد، ۱۳۸۳: ۱۶). محمدحسین هیکل، روزنامه‌نگار معروف مصری و مشاور عبدالناصر، در این باره می‌گوید: «شما شیعیان به علت محبتی که به اهل بیت(ع) دارید، اسم حسن و حسین را بر اولاد خود می‌گذارید. ما هم همین‌طور هستیم، اما ما هر دو اسم را یکجا برای بچه‌های خود برمی‌گزینیم، یعنی نام آنان را حسین می‌گذاریم». امام علی(ع) نیز در نهج‌البلاغه در عهدنامهٔ محمد بن ابوبکر دربارهٔ مردم مصر می‌فرماید: «تو را برای فرمانروایی به جایی می‌فرستم که نزدیک‌ترین افراد به من هستند. آنان اهل مصرند» (موسسهٔ اندیشه‌سازان نور، مجموعه اسناد مصر).

بارگاه بزرگان شناخته‌شدهٔ شیعه در مصر

در جنوب مصر، ده‌ها بارگاه به چشم می‌خورد، به طوری که کمتر روستایی در این ناحیه می‌توان یافت که ضریح صوفی یا فقیه یا به تعبیر عامه، ولی در آن دیده نشود. در اسوان ده‌ها بارگاه وجود دارد که در گذشتگان آن به خاندان پیامبر منسوب‌اند و پرچم‌های سرخ و سبز بر فرازشان افراشته است. مهم‌ترین بارگاه‌های بزرگان شیعه در مصر بدین شرح است:

۱. رأس‌الحسین: در پایان دوران فاطمی، بدرالجمالی یا پسرش، افضل، پس از شکست صلیبیان در قدس سر مبارک امام حسین(ع) را که در عسقلان به خاک سپرده شده بود، به قاهره آورد و در قصر خلیفه دفن کرد. بنابر برخی روایت‌ها، هنگامی که سر مبارک امام حسین(ع) به دستور یزید در ولایت‌های امپراتوری اسلامی می‌چرخید، مصریان آن را دزدیدند و پنهانی در قاهره به خاک سپردند.

۲. مزار حضرت زینب(س): از مکان‌های زیارتی قاهره است. برخی از تاریخ‌نویسان می‌گویند آن حضرت در مصر اقامت داشت و در اقامتگاه خود در سرای حاکم مصر در کوی منسوب به سیده زینب به خاک سپرده شد. دربارهٔ سفر حضرت زینب(س) به قاهره گفته شده که آن حضرت مدتی مشاور ویژهٔ حاکم مصر در عصر خود بود و لقب «صاحبة‌الشوری» داشت (پاک آیین، ۱۳۸۲).

۳. مزار فاطمه دختر امام حسین(ع): وی در هنگام ورود حضرت زینب(ع) به مصر همراهش بود.

۴. مزار سیده نفیسه: بانو نفیسه دختر حسن بن زید بن حسن بن علی(ع) بود که به همراه همسرش، اسحاق ابن جعفر صادق(ع)، به مصر آمد. بارگاه او از مشهورترین زیارتگاه‌های مصر است و جشن ولادت او هر سال برگزار می‌شود. مصریان به سیده نفیسه علاقه ویژه دارند و در روزهای یکشنبه و پنجشنبه برای برگزاری مراسم ازدواج در بارگاهش گرد هم می‌آیند. کنار این مزار، قبر بسیاری از آل ابوطالب وجود دارد که مشهورترین آن‌ها مزار رقیه دختر امام علی بن موسی الرضا(ع)، سکینه دختر امام حسین(ع) و عایشه دختر امام صادق(ع) (در محله سیده عایشه) است. هر چهار مزار در بخش قدیمی قاهره واقع شده است (امیردهی، ۱۳۸۶: ۱۲۱ - ۱۳۴؛ رضوان طلب، ۱۳۸۵: ۲۵۸).

۵. مزار مالک اشتر نخعی (مالک بن حارث): در منطقه قلیج، نزدیک شهر خانکه واقع در پیرامون عین شمس قدیم قرار دارد. در مصر از او با نام شیخ عجمی یاد می‌شود. بیشتر زائران مالک را اعراب و مردم سرزمین‌های دوردست تشکیل می‌دهند. وی میان مردم بومی مصر شهرت اندکی دارد. در سال‌های اخیر، بهره‌های اسماعیلی مزار وی را بازسازی و برادر شیخ بهره را در کنارش دفن کرده‌اند.

۶. مزار طلایع بن رزیک: از والیان مصر علیا در دوران فاطمی است و مسجد جامع دروازه زویله به نام طلایع به امر او ساخته شده. گسترش تشیع در مصر علیا و دیگر نقاط دوردست مصر در دوران او انجام پذیرفت. وی با وجود مخالفت پیروان مذهب اسماعیلی، شیعه امامیه را هنگامی که قائم مقام دو خلیفه خردسال فاطمی بود، در مصر گسترش داد. محله صالحیه منسوب به طلایع است که لقب صالح را از خلیفه فاطمی گرفته بود.

۷. مزار قاضی نعمانی یا نعمان بن محمد: از قاضیان مشهور دوران حکومت فاطمیان و صاحب کتاب *اختلاف المذاهب* بود وی در ابتدا مذهب مالکی داشت و پس از آن شیعه شد.

۸. مزار محمد بن ابی‌بکر: پسرخوانده امام علی(ع) و فرماندار مصر پیش از مالک اشتر بود. مزارش واقع در شهر میت دمسیس از توابع منصوره است. قبر دیگری در ناحیه فسطاط منسوب به وی است.

۹. بارگاه سر زید بن علی: در مصر به او زین‌العابدین گفته می‌شود. هنگامی که امویان سر زید را شهر به شهر می‌گرداندند، مردم مصر سر زید را ربودند و به خاک سپردند (وردانی، ۱۳۸۲: ۱۰۷ - ۱۳۱).

توزیع جمعیت شیعیان مصر

آمار رسمی دولتی یا منابع مستقل در مورد شمار شیعیان در دست نیست. برخی از رهبران شیعی مصر را نزدیک به نیم میلیون ذکر می‌کنند. برخی منابع پلیس شمار آنان را بیش از چند هزار نفر برآورد می‌کنند. برخی از منابع شیعی نیز شیعیان مصر را از ۷۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر برآورد کرده‌اند. الدرینی، یکی از رهبران شیعی مصر، این تعداد را ۲/۵ میلیون نفر دانسته است.

بیشتر شیعیان در جنوب مصر زندگی می‌کنند. بسیاری از شیعیان در محله‌های طنطا و منصوره در دلتا یعنی بخش شمالی پایتخت زندگی می‌کنند و جمعه برای برپایی نماز در مسجد حضرت زینب(س) در وسط قاهره گرد هم می‌آیند. در برخی از شهرهای مصر، اقلیت‌های بزرگی از شیعیان زندگی می‌کنند که اسنا، ارفو، ارمنت و قفط (جنوب) از آن جمله‌اند. در اسوان بیشتر مردم شیعه‌اند. (رضوان طلب، ۱۳۸۵: ۲۵۸). در مناطق کنار دریا، یعنی شمال مصر، اثری از شیعیان دیده نمی‌شود؛ شاید به این سبب که اعراب در ابتدای ورود به مصر در این مناطق ساکن نشدند و هم اکنون نیز مردم این مناطق از نژادهای غیرعرب (بربر) هستند (رایزنی فرهنگی ایران در دوحه، ۱۳۷۵).

در جنوب مصر در منطقه صعید، به‌ویژه استان‌های قنا و اسوان، گروهی از منسوبان به حضرت امام جعفر صادق(ع) به نام جعفره زندگی می‌کنند. شمار جعفره در مصر به ۲ میلیون نفر می‌رسد. آن‌ها اندیشه‌هایی نزدیک به شیعه دارند و با اهل سنت همزیستی برادرانه (پاک آیین، ۱۳۸۲). در صفحات تاریخ آمده است که شهرهای شیعه‌نشین منطقه صعید بارها ضد صلاح‌الدین، ممالیک و عثمانی‌ها به پا خاستند.

خاندان‌های شیعی مصری که اصالت ایرانی و عربی دارند، پیوسته در تقیه به سر می‌برند. بسیاری از آن‌ها باورهایشان قلب شده است و از تشیع چیزی جز نام ندارند. یکی از این خاندان‌های شیعی خاندان بانو راحله تحیه کاظم، همسر جمال عبدالناصر، است که هیچ دخالتی در امور سیاسی شیعیان نمی‌کنند و تشیع خود را چندان آشکار نمی‌دارند (رایزنی فرهنگی ایران در دوحه، ۱۳۷۵). نمونه دیگر شیعیانی هستند که در برابر واقعیت موجود رویکرد سلبی در پیش گرفته‌اند و یا همچون اعضای جمعیت آل‌البیت به علت حکم دادگاه مبنی بر باطل بودن حکم انحلال و مشروعیت از سرگیری فعالیت‌هایشان، از ترس برخوردهای شدید دولت و سلفیان، سال‌های درازی است که در سکوت به سر می‌برند. اینان بیم دارند با دستگاه امنیتی کشور درگیر شوند و امیدوارند روزی گشایشی در کارها

حاصل شود. برخی از شیعیان نیز راهبردهای دیگری برگزیده‌اند و با سلفیگری متظاهر به رهبانیت و انزوای خود را از جامعه جدا کرده‌اند و مطالعه فرهنگ گذشته به جای جریان‌های فکری معاصر را مورد اهتمام قرار داده‌اند. نباید این واقعیت را نیز از نظر دور داشت که بیشتر دسته‌های شیعی به رسوب‌های فکری و خیال‌های ذهنی خود رنگ تشیع داده‌اند و با کناره‌گیری از واقعیت زیر پوشش اندیشه انتظار امام غایب (عج) خود را از امور این دنیایی و دینی کنار کشیده‌اند (وردانی، ۱۳۸۲: ۱۰۶).

شاید برجسته‌ترین و شناخته‌شده‌ترین دسته‌های شیعیان امامیه اشراف یا طالبین از فرزندان علی بن ابیطالب (ع) باشند که پیش از ظهور فاطمیان در مصر حضور داشتند، به طوری که یکی از شهرهای جنوبی مصر الاشراف نام دارد که تابع استان قنا است. اشراف امروز در سراسر مصر پراکنده‌اند و رویکرد صوفیانه دارند و سلسله‌مراتب دینی - رهبری، به ویژه نقیبان و داعیان، هنوز هم در میان آن‌ها بنا بر رسوم و شرایط ویژه‌ای برگزیده می‌شوند. اشراف در اصل شیعیان اهل بیت (ع) بودند که به مصر کوچیدند، ولی بعدها بر اثر فشارهای سیاسی و اجتماعی در جامعه هضم شدند و تنها شمار اندکی از آنان هنوز به باورهای شیعی پای‌بندند، هرچند به علت ترس از سازمان امنیت فعالیت رسمی ندارند. با این که میان شیعیان مصر افراد ثروتمند بسیاریند هیچ تحرک دینی در آن‌ها دیده نمی‌شود.

شیعیان و صوفیان به سبب دوستداری اهل بیت (ع) و باور به برتری ائمه اطهار (ع) در مقایسه با سایر صحابه دیدگاه همسانی دارند، ولی از نظر صوفیان، این برتری در مقامات معنوی است و مقامات سیاسی، از جمله به دست گرفتن حکومت، شامل حال آنان نمی‌شود (احمد، ۱۳۸۳: ۱۶). رهبران جنبش صوفیه در مصر به علت علاقه خود به خاندان رسول‌الله (ص) همواره برپا دارنده آیین‌های شیعی و حافظ حریم اهل بیت (ع) بوده‌اند (پاک‌آیین: ۱۳۸۲). اشراف و بیشتر صوفیان دارای رویکرد غیرسیاسی‌اند، اما هنگامی که سلسله‌ها و طریقت‌های صوفی در زمینه‌های سیاسی فعال می‌شوند، در بیشتر مواقع ماجرا به شورش فراگیر می‌انجامد. آخرین بار، شورش‌های بزرگ اشراف در نبرد با انگلیسی‌ها روی داد. همچنین، صوفیان به برخی از مسائل اجتماعی واکنش نشان داده‌اند. برای نمونه، در پی سخنان ضدشیعی رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان، صوفیان مصر با برگزاری نشستی ویژه در پاسخ به سخنان قرضای خواستار برکناری او از ریاست و یا پوزش او از شیعیان و صوفیان شدند (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۷). همچنین، با وجود سرمایه‌گذاری‌های

فراوان سعودی‌ها، نفوذ و هابیت با چالش‌های جدی روبه‌رو است، چراکه فرقه‌های صوفیان در همه لایه‌های مملکتی مدارج و مناسب عالی دارند (احمد، ۱۳۸۳: ۱۶).

روابط شیعیان و سنیان در مصر

در سده اخیر، شاید مشهورترین تماس شیعیان ساکن فلات ایران و بین‌النهرین با مسلمانان آفریقا و مغرب عربی سفر سیدجمال‌الدین اسدآبادی به مصر بوده است. سیدجمال یکی از بنیان‌گذاران جنبش‌های سلفی بود و شاگردان او از جمله بنیان‌گذاران و سران اخوان‌المسلمین شدند (هدایت، ۱۳۸۶: ۳۵۴). یکی از مهم‌ترین سفرهای شیعیان سفر آیت‌الله سیدجعفر آل‌کاشف‌الغطا به همراه گروهی از علمای شیعه عراق و با دعوت رسمی روحانیون الازهر در سال ۱۹۶۵ برای شرکت در دومین کنفرانس مجمع پژوهش‌های اسلامی در قاهره بود. وی مورد استقبال مقامات و اندیشمندان مصری قرار گرفت، به‌طوری‌که پیام او به مناسبت عاشورای آن سال (۱۹۶۵) از رادیو مصر پخش شد. او در پورت سعید بر مزار شهدای مصری حاضر شد و از شهرهای مهم دیدار کرد. از سوی مقامات سیاسی و رئیس و مقامات علمی برجسته الازهر دعوت‌های گوناگونی برای او ارسال شد و با نشریات گوناگون مصری گفت‌وگو کرد.

سیدعبدالحسین شرف‌الدین لبنانی تأثیرگذارترین مسافر شیعی قرن بیستم به شمال آفریقا بود. او که از علمای نجف بود، در دهه ۱۹۱۰ در مبارزه با استعمار فرانسه شرکت کرد. او درباره تشیع و تسنن می‌گفت: «شیعه و سنی را، از روز نخست، سیاست از هم دور کرد و اکنون باید سیاست (و مصالح سیاسی اسلام) آنان را کنار هم گرد آورد».^۱ سیدشرف‌الدین با بزرگان اهل سنت در مصر مباحثه کرد که دستاورد آن نگارش کتاب مشهور و پرمراجعه *المراجعات* است. این کتاب در سراسر آفریقا مورد رجوع شیعیان و علاقه‌مندان تشیع است. کتاب *المراجعات* شامل ۱۱۲ پرسش و پاسخ درباره مسائل گوناگون اختلافی میان دو مذهب است. فرقه سلفی این کتاب را محکوم کرد و اکنون در زمره کتب ممنوعه مصر قرار دارد. علامه شرف‌الدین کتاب *ابوهریره شیخ‌المضیره* را نیز نوشته بود که با اعتراض‌ها و پاسخ‌های گسترده اهل سنت روبه‌رو شد. برای نمونه، مصطفی السباعی به نوشته‌های وی در نکوهش ابوهریره و بدگویی شیعیان عراق و ایران از عایشه حمله کرد (بهبهانی، ۱۳۸۴؛ بحرانی، ۱۳۸۴: ب: ۴۶۷). شرف‌الدین در سال ۱۹۱۸ به میهن خود در جبل عامل لبنان بازگشت و در آن‌جا ساکن شد.

نواب صفوی در دهه ۱۳۵۰ ش به مصر رفت و با استقبال گرم اخوان المسلمین روبه‌رو شد، به طوری که او را در زیارت بارگاه‌های اهل بیت (ع) همراهی کردند. نواب، جمال عبدالناصر را به دنبال دستگیری اعضای اخوان به شدت مورد حمله قرار داد (خسروشاهی، ۱۳۸۵). محمدجواد مغنیه که رئیس القذات دادگاه‌های جعفری لبنان بود، در سال ۱۹۶۳ از مصر دیدن کرد. او رديه‌ای بر کتاب *الخطوط العریضه* محب‌الدین، خطیب مصری مخالف شیعیان، نوشت (وردانی، ۱۳۸۲: ۱۵۱ - ۱۶۰؛ روزنامه‌المحرر، ۱۹۹۵). شیخ قمی نیز از علمای ایرانی بود که برای تقریب شیعه و سنی، سفرهای پی‌درپی به مصر کرد.

سیدمرتضی رضوی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ برای گسترش اتحاد اسلامی با بزرگان و اندیشه‌وران مصری دیدار کرد که در جریان آن، مواد کتاب *مع الرجال الفکر فی قاهره* را گردآوری کرد. این کتاب گفت‌وگوی بی‌پرده‌ای درباره‌ی امور گوناگون اسلامی است و اندیشه و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی را بیان می‌کند. وی کتاب‌های زیر را در مصر چاپ کرد: *تفسیر شبر، علی و مناوئوه، عبدالله ابن سبا و اساطیر اخری، المتعه و اثرها فی الاصلاح الاجتماعی، وسائل الشیعه و المستدرکاتها، اصل الشیعه و اصولها و الوضوفی کتاب و السنه و السجود علی التربه الحسینیة*. سیدرضوی کتابی نمی‌نوشت مگر آن‌که یکی از بزرگان مصر بر آن مقدمه نوشته باشد. شیخ محمد عبدالمنعم خفاجی بر کتاب *وسائل الشیعه*، دکتر سلیمان دنیا بر کتاب *شیعه و فنون اسلام* و شیخ احمدحسن الباقوری بر کتاب *المختصر النافع* مقدمه نوشته است. سیدرضوی در سال ۱۹۶۵ در دیدار با مدیر دارالکتب (کتابخانه ملی) قاهره درخواست کرد بخشی از دارالکتب به کتب شیعی اختصاص یابد. به دنبال آن، یک هیئت علمی در نجف اشرف مجموعه‌ای از کتاب‌های شیعی را به دارالکتب اهدا کرد (وردانی، ۱۳۸۲: ۱۶۰ - ۱۶۲). سیدموسی صدر آخرین سفر معروف شیعی به مصر را انجام داد. او مزار بزرگان شیعه را زیارت کرد و با شیوخ الازهر به بحث نشست.

هم‌اکنون آیت‌الله محمدعلی تسخیری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در زمینه برقراری روابط حسنه میان شیعیان و اهل سنت بسیار پویا است و سفرهای پی‌درپی به آفریقا انجام می‌دهد (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۷). همچنین، تنی چند از شیوخ الازهر و اندیشمندان مصری از جمله شیخ الفهام، شیخ الشرباصی و احمد امین سفرهای زیادی به نجف و قم انجام داده‌اند. احمد امین به علت نگارش کتاب «*فجر الاسلام*» مورد نکوهش شیعیان واقع شد. از جمله، شیخ جعفر کاشف‌الغطا در کتاب *اصل الشیعه و اصولها* سخنان امین را رد کرده است. بعدها امین گفت که آگاهی کافی و منابع مکفی در اختیار نداشت.

وی افزون بر مطالعه کتب شیعی، به سرزمین‌های شیعیان سفر کرد. محمدحسین هیكل، نویسنده سیاسی، نیز در ۱۹۵۱ به ایران سفر و با آیت‌الله کاشانی دیدار کرد و کتاب *ایران فوق برکان* را در سال ۱۹۵۱ نوشت. او پس از انقلاب نیز به ایران آمد و با امام خمینی (ره) دیدار کرد و کتاب *مدافع آیت‌الله* را نوشت (روزنامه‌المحرر، ۱۹۹۵).

در سال ۱۳۴۲ ش و به دنبال قیام ۱۵ خرداد و بازداشت امام خمینی (ره)، شیخ محمود شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر، در اعلامیه‌ای در سال ۱۳۴۲ از همه مسلمانان خواست از علمای مجاهد ایران که به جرم دفاع از حق زندانی شده‌اند، پشتیبانی کنند. در این اعلامیه، دستگیری علما و اهانت به آنان داغ‌ننگی بر پیشانی بشریت نامیده شد. وی همچنین تلگراف‌هایی به آیت‌الله حکیم، آیت‌الله میلانی و پاپ فرستاد. شیخ محمود شلتوت، که آبشخور این‌گونه رویدادها را حکومت استبدادی رژیم و شخص شاه می‌دید، در تلگرام شدیدالحنی به شاه، جایگاه والای روحانیان و پیشوایان دین را به او یادآور شد و از او خواست از تجاوز به حریم روحانیت و علمای اسلام خودداری و بازداشت‌شدگان را هرچه زودتر آزاد کند. شلتوت تا پایان عمر به رابطه خود با علما و روحانیت شیعه ایران و پشتیبانی از آن‌ها ادامه داد (شمس آبادی، ۱۳۸۷).

تقریبی‌های سنی مصر

چاپ کتاب *اضوا علی السنه المحمديه* نوشته شیخ محمود ابوریه، از عالمان الازهر، در مصر ممنوع شده است. ابوریه متهم به تشیع و دوستی شیعیان است. او در هم‌رأیی با شیعیان، نقد کتاب‌های سنن و حدیث و صحابه را توجیه و از این راه، به تشیع خدمت و از دیدگاه‌های آنان پشتیبانی کرد. طه حسین نیز با نگاشتن کتاب *الفتنة الكبرى* به فتنه عثمان اشاره کرد و مورد اتهام الازهر واقع شد. اخیراً کتابی با نام حرکت *آل‌البیت* از سوی الازهر در برابر این اثر منتشر شده است. استاد زینب الغزالی، از فعالان جنبش اخوان المسلمین مصر و رئیس جمعیت بانوان مسلمان و عضو دانشگاه الازهر (اشکذری، ۱۳۷۲) که برای اتحاد اسلامی بسیار کوشیده است، جدایی شیعه و سنی را توطئه صهیونیستی می‌داند و از مسلمانان می‌خواهد در دام این فریب نیفتند. دکتر عبدالواحد وافی، رئیس دانشکده تربیت دانشگاه الازهر، کتاب *بین الشیعه و السنه* را نوشته است. شادروان شیخ الفهام، از استادان برجسته الازهر، به باورهای مشترک دو مذهب اشاره می‌کند. شیخ باقوری، استاد الازهر، اختلافات دو مذهب را فاقد پایه علمی می‌داند. شیخ عبدالوهاب عبدالطیف، از مدرسان الازهر، مباحثه

این دو مذهب برای همسایگی و درهم‌آمیختن آن دو را پیشنهاد می‌کند. شیخ عبدالرحمن نجار شیعیان را نیمی از سلمان می‌داند که اجتهادهای پاکیزه‌ای دارند (وردانی، ۱۳۸۲: ۱۸۷ - ۱۹۸). پیش از اینان، شیخ محمد غزالی با طرح این موضوع که بزرگ‌ترین دشواری جهان اسلام نبود حکومت اسلامی است، از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و جایگزینی حکومت اسلامی استقبال کرده بود. وی مزایای حکومت اسلامی ایران را چنین برمی‌شمرد: شکست استبداد شاه، وابسته‌نبودن و زیر بار بدهی نرفتن در جنگ هشت‌ساله با عراق، و انتخابی بودن حاکم آن^۲ (علیخانی، ۱۳۸۴: ۵۲۰). غزالی در کتاب *الوحدة الاسلامیه، صمود و تحدی* بسیار از شیعیان پشتیبانی و هدف از تقریب را نه رفع اختلافات، بلکه نزدیکی گروه‌های اسلامی بدون توجه به شکاف‌های میان آنان اعلام کرد. غزالی در کتاب دیگری با نام *السنة النبویه بین اهل الفقه و اهل الحدیث* کوشید مذاهب اسلامی و به‌ویژه باورهای مذاهب شیعی و مذاهب سنی را به هم نزدیک کند (بحرانی، ۱۳۸۴ الف: ۵۵۹). محمدمهدی عاکف، رهبر کنونی جنبش اخوان المسلمین مصر، نیز نزدیکی مذاهب اسلامی و توافق برای رویارویی با دسیسه صهیونیستی و امریکایی را که هدفشان به‌زاندراوردن امت اسلامی و توهین به باورهای آنان، سست کردن ریشه‌های فرهنگی آنان و بخش‌بخش کردن منطقه خاورمیانه است، ضروری می‌داند (عاکف، ۱۳۸۷).

امروزه، به همان نسبت که سلفیان و وهابیان با همراهی جریان‌های سیاسی و نفوذی داخلی یا خارجی و غربی در حال شبهه‌افکنی و ستیزه‌جویی میان مذاهب اسلامی‌اند، جریان‌های میانه‌رو نیز در حال نیروگرفتن‌اند. هم‌اکنون با رویکردهای موافق با تقریبی‌ها (مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی) روبه‌روایم. بسیاری از این رویکردها پاسخی به تندروی‌های سیاسی و دینی هستند. حضور محمد سید طنطاوی به‌عنوان شیخ الازهر نیز در این مورد مؤثر بوده است. دکتر طنطاوی، رئیس پیشین الازهر، در دیدار با یک هیئت عراقی به ریاست عمار حکیم، از رهبران برجسته در مجلس اعلای اسلامی عراق و فرزند عبدالعزیز حکیم، رئیس کنونی این مجلس، از آمادگی الازهر برای همکاری در فرایند تقریب میان اهل تسنن و تشیع خبر داده بود (شبستان، ۱۳۸۷). او اجازه نام‌نویسی دانشجویان شیعه در دانشگاه الازهر را صادر کرد (اخبار ملل، ۱۳۸۷: ۵۷). همچنین، احمد السایح، استاد دانشگاه الازهر و عضو مجمع تقریب مذاهب اسلامی، با بیان این‌که شیعیان بخش جدایی‌ناپذیر شهروندان مصری‌اند گسترش مذاهب تندرو و کوشش پیروان این مذاهب برای فتنه‌افکنی را مهم‌ترین چالش پیش روی گروه‌های اسلامی دانست (ایکنا، ۱۳۸۷). دکتر علی جمعه، مفتی برجسته

مصر و الازهر، نیز از چهره‌های میانه‌رو است که به شیعیان رویکرد مثبتی دارد. او که رویه تقریبی دارد، برخورد بسیار منصفانه‌ای با مذاهب اسلامی دارد و حتی علیه تهمت‌های ناروا به شیعیان، پس از تحقیق درباره‌ی درستی یا نادرستی این ادعاها - پاسخ‌های دلیرانه‌ای داده است. آخرین فتوا مربوط به جواز مذهب جعفری فتوای دکتر علی جمعه بود که پیروی از مذهب جعفری را جایز دانست و از این رو، راه علمای بزرگ تقریبی چون شیخین عبدالمجید سلیم، شلتوت و شرباصی را ادامه داد (moslemblog.mihanblog.com؛ جمعه، مجله اکتوبر، ۲۰۰۶). این رویه دکتر علی جمعه را در برابر کسانی چون محمود عاشور، رئیس کنونی شورای تقریب بین مذاهب، قرار می‌دهد که با گسترش تشیع در مصر مخالف است و گفته است که دانشگاه اسلامی الازهر اجازه نخواهد داد تشیع در مصر گسترش یابد (moslemblog.mihanblog.com).

مصریان شیعه

دکتر احمد راسم النفیس، دانش‌آموخته الازهر که به آیین تشیع گرویده است، مناظره‌های فراوانی درباره‌ی تشیع در شبکه‌های ماهواره‌ای کرده. او کتاب‌های *طریق الی مذهب اهل البیت علیهم‌السلام و علی خطی‌الحسین علیه‌السلام* را نوشته است (اخبار شیعیان، ۱۳۸۳: ۱۸). به تازگی، مجمع پژوهش‌های اسلامی الازهر مصر از انتشار کتاب او با نام *رحلتی مع الشیعه والتشیع فی مصر* جلوگیری کرد، زیرا در این کتاب دیدگاه‌های شیعه در مخالفت با مذهب اهل سنت بیان شده است (www.hawzah.net). وی که از رهبران شیعیان و فعالان سیاسی مصر است، با استناد به فتوای دانشگاه الازهر و قانون اساسی مصر از وزیر کشور مصر خواسته است مذهب شیعه را به رسمیت بشناسد و از بازداشت پیروان این مذهب پرهیز کند. راسم النفیس فتوای علمای میانه‌رو را که اختلاف میان شیعیان و اهل سنت را ناچیز و یا «سیاسی» می‌دانند، برهانی بر ضرورت پذیرش مذهب تشیع از سوی آن‌ها می‌داند. دکتر نفیس، همچنین، به قانون اساسی مصر استناد کرده که درخواست رسمی مذاهب برای پذیرش رسمی در کشور را پیش‌بینی کرده است (www.rasanews.ir).

محمد به یومی مهران، نویسنده‌ی *الامامه و اهل البیت (ع)*؛ احمد عزالدین، نویسنده‌ی *الامامه والقیاده*؛ سعید ایوب، نویسنده‌ی کتاب‌های *الانحرافات الکبری، زوجات النبی (ص)، الطریق الی المهدی المنتظر (ع)*، *معالم الفتن*، و *وجاء الحق؛ عاطف سلام*، نویسنده‌ی *فقهی‌ات بین السنه والتشیعه*؛ معروف عبدالمجید، نویسنده‌ی *بلون الغار ... بلون الغدیر؛ الدمرداش العقالی*،

نویسنده محاضرات عقائديه؛ سليم البشرى، نویسنده المراجعات؛ و حسام‌الدین ابوالمجد، نویسنده المعرفة و المَعرف؛ از دیگر شیعیان پویا در مصرند (www.aqaed.com). همچنین، دکتر علی ابوالخیر درباره حضرت علی(ع) و پیامبر(ص) کتاب‌هایی نوشته است.

انقلاب اسلامی و شیعیان مصر

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اخوان المسلمین و جریان‌های حاکم بر مصر یعنی ناصریسم، سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی با جنبش اسلامی ایران در تعامل بودند (بنی جمالی، ۱۳۸۸). اخوان المسلمین در سال ۱۹۷۹ کتابی با نام خمینی الترناتیو/اسلامی نوشته فتحی عبدالعزیز چاپ کرد که شیوه امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی را راهکاری برای نظام‌های وابسته می‌داند و می‌نویسد: «انقلاب [امام] خمینی، انقلاب یک فرقه اسلامی علیه فرقه‌ای دیگر نیست، بلکه کانون ارزش‌ها و باورهای همسانی است که همه مسلمانان را به یگانگی می‌خواند» (سایت الحوار الدینی، ۱۳۸۷). از دید خبرنگاران و تحلیلگران سیاسی، برخی از سنجه‌های تاثیر انقلاب اسلامی ایران در مصر و زنده و نیرومند شدن جنبش اسلامی آن کشور به این شکل نمایان می‌شد (بنی جمالی، ۱۳۸۸).

از آن هنگام در میان گروه‌های اسلامی و بیشتر دین‌داران مصر تبلیغات ضد تشیع گسترش یافت. این تبلیغات مدعی بودند شیعیان به سلف احترام نمی‌گذارند و الگوبودن گذشتگان را نمی‌پذیرند. این رویارویی حتی موجب شد از مطالعه بسیاری از کتب گذشتگان به این اتهام که آن‌ها شیعه یا منسوب به تشیع‌اند، خودداری شود. چند سال پس از انقلاب اسلامی ایران، حتی فعالیت جمعیت تقریب مذاهب بازاستاد و سازمان‌های شیعی منحل شدند. عناصر اسلامی و برخی نویسندگان و استادان دانشگاه به اتهام تشکیل مجموعه‌ای جهادی با پشتیبانی مالی ایران دستگیر شدند. سازمان شیعیان خمینی که از سوی شیعیان مصر و اعراب بحرینی، کویتی و عراقی مقیم آن کشور تشکیل شده بود، در سال ۱۹۸۸ متهم به ارتباط با حزب‌الله و منحل شد. با انحلال این سازمان دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای عرب در پی آن برآمدند تا از امکان نفوذ عناصر سازمان در کشورهای خود آگاهی یابند. مصر که در این برهه به دنبال بهبود روابط خود با رژیم صهیونیستی در میان کشورهای اسلامی و عربی در انزوا قرار داشت، با بزرگ جلوه‌دادن خطر انقلاب ایران برای کشورهای منطقه کوشید ائتلافی با این کشورها علیه ایران ایجاد کند تا افزون بر بهبود روابط خود با کشورهای اسلامی، امواج خروشان انقلاب اسلامی ایران را هرچه بیشتر مهار کند (عبدوس، ۱۳۸۷).

با آغاز دهه ۱۹۹۰ فشار بر شیعیان کاهش یافت و با پایان جنگ ایران و عراق بسیار کمتر شد (وردانی، ۱۳۸۲: ۱۰۵ و ۱۷۱ - ۱۷۳)، اما این به معنای آزادی عمل شیعیان نیست. برای نمونه، ادعای مصر مبنی بر کشف سازمان سری شیعیان در سال ۱۹۹۶ را می‌توان یادآور شد. دستگاه اطلاعات مصر مدعی بود این سازمان فعالیت‌های گسترده در پنج استان کشور داشته است. دستگاه امنیتی مصر نه نفر را در استان‌های قاهره، جیزه، شرقیه، دقهلیه و غربیه دستگیر کرده بود که مهم‌ترین آن‌ها حسن محمد شحاته موسی بود (روزنامه الخلیج، ۲۲ اکتبر ۱۹۹۶).

سازمان‌های شیعی در کشور مصر

۱. **دارالبدایه:** در سال ۱۹۸۶ به‌عنوان نخستین موسسه چاپ و پخش شیعی مصر به همت صالح الوردانی و با یاری اعراب و مصری‌های شیعه تأسیس شد. چاپ شماری از کتاب‌های اندیشمندان شیعه برای عرضه در نمایشگاه بین‌المللی قاهره از فعالیت‌های مهم این سازمان بود (شفیعی، ۱۳۸۳: ۱۸۷). دارالبدایه با مخالفت تندروهای اهل سنت روبه‌رو شد که نتیجه آن حمله به آن و چاپ و پخش اعلامیه‌هایی علیه این سازمان از سوی سعودی‌ها و سلفی‌های مصر و ماموران امنیتی بود. اعضای سلفیه همه آثار متعلق به دارالبدایه را در نمایشگاه کتاب قاهره پاره کردند. از کتاب‌های کافی و المراجعات و اصل الشیعه و اصولها صفحاتی کپی و در میان مردم پخش شد. رئیس دارالبدایه دستگیر شد و سپس اعضای آن بازداشت شدند. در نهایت، این مؤسسه در ۱۹۸۸ تعطیل شد. به نوشته وردانی، رئیس این سازمان و مؤسسه‌های چاپ و پخش سعودی ۷۰ درصد تألیفات مصر را در اختیار دارند. آن‌ها دارالبدایه و دارالهدف را وابسته به ایران می‌دانند و به دو نویسنده این چاپخانه یعنی شیخ صالح الوردانی و شیخ حسن الصفار (www.saffar.org)، از شیعیان سرشناس مصر، حمله بردند.

صالح الوردانی پس از چندین سال توقف فعالیت‌های مجمع اهل‌البیت رسماً درخواست امکان فعالیت برای مجمع کرده است (رایزنی فرهنگی ایران در دوحه، ۱۳۷۵) و بر این نکته تأکید می‌کند که شیعیان مصر به هیچ کشور خارجی وابستگی ندارند (روزنامه‌المحرر، ۱۹۹۵). جالب آن است که در گزارش کنسولگری جمهوری اسلامی آمده است که به درخواست وردانی برای کمک ایران به دارالبدایه پاسخ منفی داده شده است، زیرا از یک‌سو اهداف وی ناآشکار است و از سوی دیگر، حجت‌الاسلام خسروشاهی، رایزن فرهنگی ایران در مصر، با فعالیت‌های تندروانه و جنجال‌برانگیز شیعیان مصر موافق نیست. وردانی می‌گوید

که هدف از تشکیل شورای مذکور پشتیبانی از منافع شیعیان و نمایندگی آن‌ها در محافل رسمی کشور است. او تأکید می‌کند که شیعیان دیگر نباید پنهانی فعالیت کنند، بلکه آن‌ها نیاز به اعلام موجودیت دارند. برعکس، به باور رایزن فرهنگی ایران، «سیاست جمهوری اسلامی بر جذب همه لایه‌های جامعه مصر تأکید دارد و دامن زدن به فعالیت‌های تندروانه که به وسیله این‌گونه اشخاص صورت می‌گیرد، و بیان این مطالب در افکار عمومی و روزنامه‌ها به‌طور گسترده پیامدی جز حساس‌شدن اندیشه‌های دولتمردان و مردم سنی‌مذهب مصر نخواهد داشت». بنا به نظر رایزن فرهنگی ایران، بعید نیست مخالفت شیخ قرضاوی با فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران و گسترش مذهب شیعه در مصر و الجزایر واکنش به چنین فعالیت‌هایی باشد» (رایزنی فرهنگی ایران در دوحه، ۱۳۷۵).

۲. دارالهدف: این مؤسسه به جای دارالبدایه و با همان کادر، اهداف و چاپخانه تشکیل شد. به نوشته الوردانی، رئیس دارالبدایه، دارالهدف هر سال در نمایشگاه بین‌المللی کتاب قاهره شرکت می‌کند و به زنده‌کردن مناسبت‌های شیعی از جمله عاشورا و عید غدیر اهتمام می‌ورزد. با سرکوب گروه‌های دیگر اسلامی از سوی حکومت مصر زمینه برای فعالیت این مؤسسه هموارتر شده است (پاک آیین، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

۳. مجمع تقریب مذاهب اسلامی: شصت سال پیش، شیخ محمد شلتوت و آیت‌الله بروجردی در اقدامی مشترک، مجمع تقریب مذاهب اسلامی را تشکیل دادند. دعوت جمعیت تقریب پس از ۱۹۴۶ در مصر آغاز شد. شیخ حسن البنا، بنیان‌گذار و رهبر اخوان المسلمین، نیز آن را تأیید می‌کرد. بنا می‌گفت که شیعه و سنی امتی یگانه‌اند. اخوان المسلمین با این جمعیت همکاری داشت (آذرشب، ۱۳۸۳: ۱۸۰). در سال ۱۹۳۸ علامه محمدتقی قمی برای دعوت به سوی همبستگی و برادری به مصر برای دیدار با محمدمصطفی مراغی، که آن روز رئیس الازهر بود، رفت و در نخستین دیدار دریافت که شیخ مراغی با اندیشه وحدت و همبستگی موافق است (رضانژاد، ۱۳۸۶). علامه سپس شیخ مصطفی عبدالرزاق و شیخ عبدالمجید سلیم را وارد تشکیلات دارالتقریب کرد و خود به‌صورت غیررسمی در کنار و همراه دعوت وحدت قرار گرفت. عبدالمجید سلیم از طلایه‌داران تقریب بود و در این راه بسیار کوشید و شاگرد بزرگ او، شیخ محمود شلتوت، نیز خدمات بسیار به تقریب مذاهب اسلامی کرد. سلیم با سید شرف‌الدین روابط نزدیکی داشت و با آیت‌الله بروجردی مکاتبه می‌کرد (عابدی میانجی، ۱۳۸۶). بدین‌سان میان علمای شیعی و سنی رابطه برقرار شد. شیخ محمود شلتوت نیز از روزی که به جمع

دارالتقریب پیوست تا پایان عمرش در کنار دارالتقریب باقی ماند (سایت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی).

شمار دیگری از بزرگان الازهر که با علمای شیعه تا پایان دهه ۱۹۷۰ روابط دوستانه داشتند، در تشکیل آن سهم بودند. شیخ شرباصی و شیخ فهام از برجسته‌ترین علمای تقریبی بودند. در آن هنگام، شیخ محمد مدنی مدیر کل جمعیت تقریب بین مذاهب اسلامی بود. از جمله علمای شیعی مطرح در تقریب که با علمای الازهر و مبلغان سرشناس تقریب در مصر در ارتباط بودند، شیخ محمد جواد مغنیه، شیخ علی آل کاشف الغطا از عراق، سیدمرتضی رضوی که با بسیاری از اندیشمندان قاهره دیدن کرد، و سیدطالب حسینی الرفاعی را می‌توان نام برد. شیخ مدنی کتابی با عنوان *دعوت التقریب من خلال رساله الاسلام*، چاپ مجلس الاعلیٰ للشؤون الاسلامیه، در سال ۱۹۶۶ نگاشت و اهداف جمعیت تقریب مذاهب اسلامی را در آن توضیح داد. حسن البنا و آیت‌الله کاشانی به‌منظور نزدیکی جماعت‌های مسلمانان در حج دهه ۱۹۷۰ با یکدیگر دیدار کردند. عبدالحلیم محمود، شیخ الازهر، نیز شیعیان را از هر دسته‌ای که بودند، برادر دینی می‌نامید.

در این جمعیت، مذاهب چهارگانه سنی و شیعیان امامی و زیدی و اسماعیلی عضو بودند. جمعیت با پشتیبانی علمای سرشناس مصر به‌ویژه شیخ محمد متولی الشعراوی تا پایان دهه ۱۹۷۰ پویا بود. در دهه ۱۹۸۰ هم‌زمان با درگرفتن جنگ‌هایی در سرزمین‌های اسلامی و گسترش واپس‌گرایی و هابی‌ها، تشکیک در باورهای شیخ قمی در *مجله الاعتصام* مصر طرح شد. با چاپ و پخش نامه محمدحسین مخلوف، مفتی پیشین و وزیر اوقاف وقت مصر، در این مجله که به شیخ شعراوی پیش‌نهاد می‌کرد از جمعیت تقریب بیرون آید، این مبارزه پررنگ‌تر شد. پیروزی انقلاب اسلامی و توقیف *مجله رساله الاسلام* که از سوی جمعیت تقریب منتشر می‌شد، به توقف کامل فعالیت‌های جمعیت تقریب انجامید. پس از انقلاب اسلامی، علمای الازهر نیز از تشیع ترسیدند. الازهر هر سال کتاب‌های شیعی را در نمایشگاه کتاب قاهره جمع‌آوری می‌کند و بسیاری از کتاب‌های شیعه را در لیست سیاه قرار داده است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد *الشیعه و الحاکمون مغنیه*، *المراجعات* شیخ عبدالحسین شرف‌الدین، *البیان فی تفسیر القرآن* از آیت‌الله خوئی، *تفسیر المیزان* علامه طباطبایی، *نظام حقوق زن در اسلام* از شهید مطهری و همه کتاب‌های امام خمینی (ره). نظر عالمانی که با شیعیان و جمعیت تقریب مخالف‌اند منظم در روزنامه‌ها و کتاب‌ها چاپ می‌شوند. مصطفی السباعی، از اندیشمندان تأثیرگذار مصری، اعلام کرده بود

که «ظاهراً علمای شیعی قصد تقریب مذاهب شیعه و سنی را ندارند، بلکه خواهان تقریب سنی به شیعه هستند تا آن‌ها را شیعه کنند» (بحرانی، ۱۳۸۴: ب: ۴۶۷). با این وجود، عالمانی که همچنان خواهان رفتار منصفانه با شیعه هستند، در ال‌زهر کم نیستند. برای نمونه، شیخ محمد غزالی و شیخ یوسف قرضاوی در راه تقریب گام‌های بلندی برداشتند (همان: ۵۰۹). غزالی^۳ از شیخ قمی، شیخ مغنیه و آیت‌الله کاشانی (به‌علت نقشش در ملی‌شدن نفت) تمجید می‌کند (بحرانی، ۱۳۸۴: الف: ۵۵۹) و آنان را دوست خود می‌نامد.

۴. جمعیت آل‌البیت: جمعیت آل‌البیت در سال ۱۹۷۳ به‌عنوان سخنگوی اصلی شیعیان مصر اعلام موجودیت کرد. در آغاز عنوان شیعه را آشکارا نداشت و اهداف آن کمک‌های اجتماعی و خدمات فرهنگی، علمی و دینی بود. سیدطالب الرفاعی، از علمای عراق، در این جمعیت بسیار فعال و رئیس این تشکیلات بود. جمعیت آل‌البیت در ادامه فعالیت‌های تقریب عمل می‌کرد و مسلمانان سنی هم در آن عضو بودند. چاپ و پخش کتاب‌هایی چون *المراجعات، علی (ع) الاسوه و التشیع ظاهره طبیعه فی اطار الدعوه الاسلامیه* حساسیت‌های زیادی علیه این جمعیت برانگیخت (وردانی، ۱۳۸۲: ۲۰۱-۲۰۳). با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و احساس خطر شدید دولت مصر از شیعیان به یک‌باره دستور به توقف همه فعالیت‌های جمعیت تقریب بین مذاهب و جمعیت آل‌بیت صادر شد. این دستور فشارهای امنیتی شدیدی بر شیعیان وارد آورد و پس از آن هیچ گروه اسلامی شیعه در مصر تشکیل نشد. همچنین، در سال ۱۹۸۷ که سفارت ایران در مصر تعطیل شد و در سال ۱۹۸۸ نیز بر بحرینی‌ها، کویتی‌ها، عراقی‌ها و سایر شیعیان با این اتهام که می‌خواهند حزب‌الله تشکیل دهند، فشارهای بیشتری وارد آمد (روزنامه‌المحرر، ۱۹۹۵). پس از آن، بسیاری از شیعیان مصری کوشیده‌اند هرگونه ارتباط با جمهوری اسلامی را نفی کنند. برای نمونه، احمد هلال، روان‌پزشکی که به مذهب تشیع گرویده، باور دارد «تا هنگامی که دولت پشتیبانی خود را از آزادی بیان اعلام می‌دارد، شیعیان حق دارند شورایی که نمایندگی آنان را به‌عهده گیرد داشته باشند». هلال ضمن نفی هرگونه رابطه با تهران علاقه خود را به انقلاب ایران پنهان نمی‌کند، ولی علت آن را افزون بر پیروزی انقلاب ایران بر غرب، شایستگی این کشور در رویارویی با غرب عنوان می‌کند. (روزنامه‌الوطن، ۱۳۷۵).

۵. شورای عالی پشتیبانی از اهل بیت (ع): از مؤسسه‌های شیعی مصر است که به‌تازگی با دبیری محمد الدیرینی فعالیت‌های خود را از نو آغاز کرده.

نتیجه‌گیری: بایسته‌ها و چالش‌های فعالیت شیعیان در مصر

مسئله اصلی در مصر تضاد دو دیدگاه تندرو (سلفی) و میانه‌رو درباره حدود و ثغور حضور اسلام است. در هر دو سطح نخبگان و عموم مردم، افرادی که به یکی از این جریان‌ها تعلق داشته باشند یافت می‌شوند. از این‌رو، سرمایه‌گذاری فرهنگی روی اندیشه‌ها و جریان‌های میانه‌رو به سود جمعیت شیعی خواهد بود. این کوشش‌ها باید پس از مطالعه دقیق این سرزمین و جامعه‌شناسی فرهنگ سیاسی - اجتماعی مصر و شمال آفریقا صورت پذیرد. روشن است که برای رسیدن به این هدف باید از کارشناسان تاریخ، جامعه‌شناسی، فرهنگ، و هنر یاری جست و زمینه‌های پژوهش‌های هدفمند، یکپارچه و دراز مدت پدید آید. پژوهش کنونی کوشید برخی از ابعاد اجتماعی - فرهنگی زندگی شیعیان در جامعه مصر را بررسی کند تا با شناخت بخشی از تاریخ تشیع در مصر زمینه برای فرایندهای تصمیم‌ساز فراهم شود. همان‌گونه که در مقاله بحث شد، هرچند شمار شیعیان مصر بسیار کم است، پیشینه تشیع در این سرزمین و آیین‌ها و فرهنگ‌های به جای مانده و متأثر از آن زمینه‌های بسیار مناسبی برای کار فرهنگی در این کشور پدید آورده است. امکان فعالیت آزاد شیعیان مبرز در این کشور این زمینه‌ها را تقویت می‌کند.

فعالیت‌های فرهنگی شیعی در مصر با دو آسیب جدی روبه‌رو است. نخست آن‌که پس از انقلاب اسلامی ایران، این شائبه در محافل اهل سنت به وجود آمده که فعالیت‌های شیعی برای تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود و یا این‌که تشیع سیاسی در نهایت خواستار پیوستن به ساختار حکومتی و حقوق سیاسی - اجتماعی است. شخصیت‌ها، نشریه‌ها، سازمان‌ها و حرکت‌های تندرو نیز به این توهم دامن می‌زنند. دومین آسیبی که فعالیت‌های شیعیان را تهدید می‌کند مسئله‌ای داخلی است و از خود شیعیان فعال برمی‌خیزد. اگر به پیشینه برخی از گروندگان به این آیین در کشورهای سنی‌مذهب نگریسته شود، ملاحظه خواهد شد که آنان از مسلمانان سخت‌گیر و پرشوروشری بوده‌اند که در نتیجه جهد و کوشش فکری و عملی، واقعیت‌های تشیع را پس از راه طولانی مبارزه کشف کرده‌اند. پیشینه تندروانه آن‌ها (برخی از این نوشیعیان در گذشته وهابی یا سلفی بوده‌اند و یا چند بار تغییر مذهب داده‌اند) نشان از شخصیت پرشور آن‌ها دارد و در فعالیت‌های شیعی نیز از برخوردهای تندروانه نمی‌هراسند. برای نمونه، یکی از شیعیان مصر با بیان این که «جامع الازهر از آن شیعیان است و باید به آنان بازگردانده شود» درگیری‌های لفظی شدید به‌ویژه در

نشریات، دانشگاه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی پدید آورد که به تنش در روابط شیعیان با دستگاه‌های عمومی و دولتی انجامید.

افزون بر وجود شرایط فرهنگی - فکری - تاریخی، نهادهای دانشگاهی و علمی مصر از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فراوانی برخوردارند. جست‌وجو در پایگاه جامع کتابخانه‌های دانشگاهی مصر (اتحاد مکتبات الجامعات المصریه) (www.eulc.edu.eg/eulc) مجموعه خوبی از کتب شیعی در دسترس قرار می‌دهد، ولی درباره وضعیت کنونی شیعیان یا کتاب‌های غیردینی از شیعیان (برای نمونه، در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و معماری) منبعی در اختیار پژوهشگر قرار نمی‌دهد. بنابراین، به نظر می‌رسد نگرش‌ها به شیعیان رنگ و بوی دینی - عقیدتی دارد و همین امر سرچشمه چالش و ناهمسازی است. از سوی دیگر، در رقابت‌های بین گروهی و بین فردی یا سازمانی در مصر از تشیع یا دین - به‌طور کلی - ابزاری است برای متهم کردن رقیب. برای نمونه، محمد الدربینی، رهبر شورای عالی پشتیبانی از اهل بیت (ع)، گاه رویکردهای متمایل به جمهوری اسلامی دارد و گاه دشمنانش به او اتهام پشتیبانی از منافع ایران در مصر را وارد می‌کنند. او با صالح الوردانی در ادعای رهبری شیعیان مصر و احتمالاً شمال شرقی افریقا رقابت می‌کند و هر دو آن‌ها با رهبران صوفیان به‌عنوان جمعیت‌های همسو با شیعیان بومی این کشور در تقابل قرار گرفته‌اند. همچنین، وردانی که مدتی گرایش نیرومندی به همسویی با ایران داشت هم‌اکنون حتی مدعی است از جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان رهبر شیعیان جهان نامید شده است. همچنین، پیشینه سلفی برخی از نوشیعیان یا پیشینه تندروانه برخی از آنان بستر فعالیت‌های تندروانه در قالب تشیع را فراهم می‌سازد و از این رو، نام تشیع در مصر و شمال افریقا ملازم با تندروی و فعالیت‌هایی در راستای منافع ملی سایر کشورها تصور می‌شود. برای گسترش تشیع یا اثبات حقانیت آن باید راه سودمندی یافت. مبارزه به زیان شیعیان است. تقیه از اصول اساسی تشیع است که امامان بدان پایبند بودند. بنابراین، نباید پیش‌تر از امامان ره جست.

اگرچه مصر محل برخورد تندروترین آرای اسلامی با میانه‌روترین و لیبرال‌ترین اندیشه‌های اسلامی است و با این‌که مسلمانان میانه‌رو یا مسلمانان بسیار لیبرال در این سرزمین بسیارند، نهادهای دینی و دولتی برای حفظ سیمای مشروع خود در جهان اسلام معمولاً به گروه‌ها و جریان‌های تندرو سلفی و حتی وهابی مجال فعالیت می‌دهند و از گسترش رسمی گروه‌های ناهمگون با فرهنگ دولتی - رسمی جهان اسلام جلوگیری می‌کنند. بنابراین، این کشور از زمینه‌های فراوانی برای فعالیت‌های مسالمت‌آمیز

برخوردار است. شیعیان از جمله گروه‌های مغضوب دولت در مصر هستند، ولی اگر مصر را با کشورهایی مانند تونس و مغرب - که ادعای آزادی و لیبرال‌دمکراسی هم می‌کنند، یا لیبی و چاد و الجزایر، که نظام سیاسی شان بسته و استبدادی است، مقایسه کنیم، تفاوت‌ها را خواهیم دید. در هیچ‌یک از این کشورها شیعیان امکان فعالیت ندارند و حتی در بسیاری از مناطق جرئت اظهار تشیع نیز نمی‌کنند. در حالی که دولت مصر در سیاست‌های رسمی خود آشکارا اعلام می‌کند با فعالیت شیعیان مخالف است و علمای سلفی و وهابی به صورت مداوم علیه شیعیان سخن می‌گویند، از آن‌جا که جامعه مصر دارای فضای متنوع و متکثر و نسبتاً آسان‌گیرتری است، شیعیان امکان تشکیل گروه‌های اجتماعی و فعالیت را دارند.

از سوی دیگر، باید به فضای متنوع و متفاوت کشورها توجه بسیاری داشت؛ چراکه هر کشوری برنامه‌های خاص خود را می‌طلبد که با ساختار اجتماعی و ساختار دولتی حاکم متناسب باشد. از این‌رو، در مصر باید برنامه‌های دینی - فرهنگی در راستای سیاست‌های دولتی نیز باشد. در مناطقی چون مصر که دولت‌ها نیرومند هستند و ساختارهای دولتی کارا و رفاه اجتماعی بیشتر از بسیاری از بخش‌های آفریقا است، باید فعالیت‌هایی همسو با برنامه‌های دولتی و غیرتنش‌زا در پیش گرفته شود. چه بسا گشایش مدرسه یا کانون فرهنگی در یک منطقه بسیار محروم و یا بسیار مرفه پیروزی بزرگی باشد و سرمایه‌گذاری‌ای فرهنگی، با این امید که در آینده دور یا نزدیک ثمره آن آشکار باشد. در پایان باید یادآور شد که تاریخ معاصر مصر نشان داده است که همواره متن فعالیت‌های شیعی آمیخته به سیاست بوده و پس‌زمینه روابط دوستانه یا غیردوستانه میان دستگاه سیاست (دولت) و جامعه شیعیان سرنوشت سایر جنبه‌های فعالیت شیعیان مصر را تعیین می‌کند.

پی‌نوشت

۱. «فَرَّقَهُمَا السِّيَاسَةُ، فَلْتَجْمَعَهُمَا السِّيَاسَةُ».
۲. غزالی برای شرکت در کنفرانس اندیشه اسلامی در سال ۱۳۶۴ به ایران آمد.
۳. شیخ یوسف قرضاوی، مفتی اعظم مصری که در قطر ساکن است و در میان اهل سنت بسیار بزرگ داشته می‌شود، شاگرد محمد غزالی است و کتابی مشهور با نام *الشیخ الغزالی* کما عرفته (رحله نصف قرن) (چاپ قاهره، دارالشروق: ۲۰۰۰/۱۴۲۰) نوشته است. این کتاب، زندگی‌نامه خودنوشت شیخ قرضاوی و زندگی‌نامه شیخ غزالی در دوران دانشجویی

قرضاوی است. قرضاوی تا پیش از موضع‌گیری‌های اخیر خود، به نزدیکی به جمعیت تقریب مذاهب و در پیش گرفتن رویکردهای میانه‌رو شناخته می‌شد.

منابع

آذرشب، محمدعلی (۱۳۸۳). *پیشینه تقریب، تاریخچه و مستندات دارالتقریب مذاهب اسلامی در قاهره و بررسی مجله آن (رساله الاسلام)*، برگردان: رضا حمیدی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی. احمد، حسام (۱۳۸۳). «تشیع در مصر»، *ماهنامه اخبار شیعیان*، س ۳، اسفند ش ۲۸. «الازهر دانشجوی شیعه می‌پذیرد» (۱۳۸۷). *اخبار ملل*، س ۴، فروردین و اردیبهشت ش ۲۰. اشکذری (۱۳۷۲). «روزهای خاطره - قسمت دوم»، *ماهنامه پیام زن*، اردیبهشت، ش ۱۴. *اظهارات روحانی مصری درباره مخالفت با گسترش تشیع در مصر* (دسترس در ۳ تیر ۱۳۹۰). پایگاه تحلیلی وبلاگ‌نویسان مسلمان:

<http://moslemblog.mihanblog.com/post/1746>

امیردهی، ع.ر. (۱۳۸۶). «مصر از هرم تا حرم (۱)»، *اندیشه تقریب*، س ۳، بهار، ش ۱۰. بحرانی، مرتضی (۱۳۸۴ الف). «محمد غزالی»، در: علیخانی، علی اکبر و همکاران. *اندیشه سیاسی در جهان اسلام (۲) (از فروپاشی خلافت عثمانی)*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.

بحرانی، مرتضی (۱۳۸۴ ب). «مصطفی سباعی»، در: علیخانی، اکبر و همکاران. *اندیشه سیاسی در جهان اسلام (۲) (از فروپاشی خلافت عثمانی)*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.

بنی جمالی، شیمیا (۱۳۸۸). *نگاهی به تأثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای افریقایی*، ۲۰ فروردین، خبرگزاری فارس.

بهبهانی، مرضیه (۱۳۸۴). «علامه شرف‌الدین، مبارز وحدت‌گرا» *اندیشه تقریب*، س ۱، پاییز، ش ۱. پاک‌آیین، محسن (۱۳۸۲). «اهل بیت: حلقه اتصال مردم ایران و مصر»، *روزنامه ایران*، ۱۴ بهمن.

پایگاه حوزه (دسترس در ۳ تیر ۱۳۹۰)، www.hawzah.net

الجبرین، عبدالله (۱۳۷۴/۱۱/۳۰). «استفتا از شیخ عبدالله الجبرین پیرامون شیعیان»، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

خاکرند، حسن (۱۳۷۵/۸/۲) (سفارت دبی، امارات). «ادعای مصر مبنی بر کشف سازمان سرّی شیعیان در آن کشور» (گزارش روزنامه *الخلیج* به تاریخ ۲۲/اکتبر/۱۹۹۶)، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

خبرگزاری ایکن (۱۳۸۷/۴/۲۰). «علمای الازهر: تهدیدی از جانب تشیع وجود ندارد».

خبرگزاری ایکن (۱۳۸۷/۸/۱۹). «تلاش علمای مراکشی برای ارتقای اسلام میانه‌رو».

خبرگزاری رسا (دسترس در ۳ تیر ۱۳۹۰)، www.rasanews.ir

خبرگزاری مهر (۱۳۸۷/۸/۲۰). «اعتراض صوفیان مصر به سخنان ضد شیعی رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان».

خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۸۲/۲/۲۹). *دیدار با رهبر!! شیعیان مصر*، دفتر حفاظت منافع ایران در قاهره.
خسروشاهی، سیدهادی (۷ بهمن ۱۳۸۵). «نواب صفوی و رهبران اخوان المسلمین: نخستین گام‌ها در راه
تقریب». روزنامه اطلاعات.

الدینی، محمد (۲۰۰۳/۳/۱۶). «نطالب بالازهر»، نشریه *المجله*، قاهره.
رایزنی فرهنگی ایران در دوحه قطر (۱۳۷۵/۷/۳۰). «گزارش پیرامون درخواست یک نویسنده شیعه مصری
(صالح وردانی) مبنی بر تشکیل شورایی برای شیعیان مصر» (ترجمه و بررسی مقاله‌ای در روزنامه
الوطن قطر).

روزنامه *المحرر* (۱۳۷۴/۱۲/۹). «گزارش پیرامون اوضاع شیعیان در مصر»، ۱۹۹۵/۱۰/۳۰، *گزارش رایزنی
فرهنگی ایران در بیروت*، ش ۳۲۷/۸۵، لبنان: چاپ مصر.

رضانژاد، عزالدین (۱۳۸۶/۱۰/۱). «شیخ محمد مصطفی مراغی، جوان‌ترین مفتی تقریبی الازهر»، سایت مجمع
جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

رضوان‌طلب، محمدرضا (۱۴۲۷ق، ۲۰۰۶م ۱۳۸۵ش). *مسلمانان در کشورهای فرانسه، زیان، دستیاران:
سیدمجتبی طباطبایی، حسین رضوان طلب*، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
رمضانی گل‌افزایی، صادق (۱۳ بهمن ۱۳۸۷)، «رئیس مجمع جهانی اهل البیت (علیهم السلام اجمعین) و
مسئول شبکه ماهواره‌ای ثقلین درباره شیعیان افریقا» (گفت‌وگو).

عبدوس، حامد (دسترسی در ۲ تیر ۱۳۹۰). «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر مصر»، ۳ اسفند ۱۳۸۷، سایت تبیان:
<http://www.tebyan.net/Weblog/tondar59/post.aspx?PostID=43708>

سایت الحواری الدینی (دسترسی در مهر ۱۳۸۸). «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر مصر»، ۲۱ بهمن ۱۳۸۷، سایت:
<http://www.alhiwaraldini.com/fa.php/page,2092A5990.html>

سایت شبستان (۱۳۸۷/۵/۷). «اعلام آمادگی الازهر برای مشارکت در تقریب اهل تسنن و تشیع عراق».
قمی، علامه محمدتقی، سایت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
الشابی، علی (الاستاذ به کلیه الشریعه و اصول الدین) (۱۹۷۵ میلادی / ۱۳۹۵ ق). *الصراع المذهبی بافرقیه الی
قیام الدوله الزیریه*، الجامعه التونسیه، الدار التونسیه للنشر.

شفیعی، مصطفی (خرداد و تیر ۱۳۸۳). «با شیعه در مصر»، *آینه پژوهش*، سال ۱۵، ش ۲.
شمس‌آبادی، حسن (۱۳۸۷/۷/۱۸). «مواضع شیخ محمود شلتوت در قیام پانزده خرداد»، سایت مجمع جهانی
تقریب مذاهب اسلامی.

فتوای شیخ محمد بن صالح العثیمین عضو شورای علمای بزرگ پیرامون شیعیان (روافض) (۱۳۷۴/۱۱/۳۰)،
مترجم: جباره، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

فتوای شیخ الازهر: «حکم تفرقه بین مسلمانان و قبله شیعه»، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سند شماره
۶۹۴۵ جدید / ۸۹۳۹ قدیم.

عابدی میانجی، محمد (۱۳۸۶/۸/۱۶). عبدالمجید سلیم، «مرزبان شریعت»، سایت مجمع جهانی تقریب
مذاهب اسلامی.

سیده مطهره حسینی ۴۵

عاکف، محمد مهدی (دسترسی در ۳ تیر ۱۳۹۰). «اخوان المسلمین مصر از اندیشه‌های امام خمینی (ره) حمایت می‌کند»، ۱۳ اسفند ۱۳۸۷،

<http://alhiwaraldini.com/Portal.aspx?PID=71243&Culture=Persian&CaseID=33640>

مصطفی، حمدی (اردیبهشت ۱۳۸۷). «بررسی سیاسی تصوف در مصر»، ترجمه و اضافه: سیدقاسم ذاکری، نشریه اخبار ملل، س ۴، ش ۲۰.

وردانی، صالح (۱۳۸۲). شیعه در مصر، از آغاز تا عصر امام خمینی، برگردان: عبدالحسین بینش، مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.

مرکز الأبحاث العقائدية (دسترسی در ۳ تیر ۱۳۹۰) <http://www.aqaed.com/mostabser/index.html>

هدایت، سیداحمد (۱۳۸۶). «نگاهی به چگونگی پیدایش و تشکیل جنبش اسلامی در مصر». فصلنامه مطالعات افریقا، س ۱۲، بهار و تابستان، ش ۱۵.